

عاشق جنگیدن هستم

## نعمتی: دوز وطن پرستی ام بالاست



عکس: رضا مسطردان / ایران ورزشی

## گفت‌وگو

در خدمت ورزش کشورم باشم که بخش زیادی از آن به عرق ملی و وطن پرستی ام برمی‌گردد. آرزوهای زیادی در ذهن دارم تا دختران موفق در این مسیر ادامه بدهند. همین که مسئولان فدراسیون و کمیته پارالمپیک به من و بقیه قهرمانان اجازه می‌دهند بعد از دنیای قهرمانی در ورزش معلولان کار کنیم، این حمایت‌ها و فرصت خیلی ارزشمند است.

این فرصت، تربیت مدیر برای آینده ورزش پارالمپیک است؟  
دقیقاً. این فرصت‌هایی که مسئولان به ما داده‌اند خیلی ارزشمند است. در حالی که قبلاً خیلی از قهرمانان با خداحافظی از دنیای قهرمانی رها شدند و از تجربیات آنها استفاده نشد. وقتی سالها از بیت‌المال برای قهرمانان هزینه شده خیلی حیف است که آنها را از دست بدهیم. گرچه زندگی آرام و راحت برای همه ایده‌آل است اما من به خاطر اینکه عاشق مسیریهای پرچالش هستم، بخش سخت آن را انتخاب کردم.

توپیشنهادهای وسوسه‌انگیزی از آمریکا و جمهوری آذربایجان برای تغییر تابعیت داشتی، چرا قبول نکردی؟  
اصلاً وسوسه نشدم. چون زهر نعمتی از یک جایی دیگر متعلق به خودش نبود. بویژه بعد از حضور و سخنرانی در سازمان ملل. البته با احترام به همه‌آنها که تصمیم به مهاجرت گرفتند. چون آنها

**مهری رنجبر /** زهر نعمتی با تکیه بر رویای المپیک را در سر داشت. اما خدا برای او راه دیگری را باز کرد. راهی که حتی خوابش را هم نمی‌دید. با اینکه آن تصادف لعنتی او را از میاززه و شایاب چانگ دور کرد، اما تیروکمان را جلوی پایش گذاشت. ورزشی که زهر نعمتی را به دنیای دیگری برد. دنیای ایستادگی، طلایی، پر از افتخار و اتفاقات تاریخی که از او نه فقط یک قهرمان ایرانی که قهرمان جهان و المپیک ساخت. به همین خاطر تیروکمان برای او خاص است.

شما بعد از قهرمانی در المپیک ۲۰۱۲ لندن، به عنوان ورزشکار الهام‌بخش در جهان انتخاب شدی و امسال هم مدیر برتر، چطور این اتفاق می‌افتد؟  
خودم خیلی به آن فکر می‌کنم، اما شاید همه این مسائل به مسئولیت‌پذیری زهر نعمتی برمی‌گردد. ما دختران و حتی مدیران مسئولیت‌پذیر زیادی داریم. البته جواب این سؤال جنبه‌های مختلفی دارد. چون اتفاق ویژه‌ای افتاده بود و سالها از پول بیت‌المال برای زهر نعمتی هزینه شد تا تجربیات زیادی کسب کند. خیلی دوست داشتیم بعد از سالها افتخارآفرینی

هیچ گناهی نکردند و می‌خواستند زندگی و شرایط بهتری داشته باشند. اما برای من زهر نعمتی قضیه متفاوت بود. چون از نگاه دنیا این موضوع اصلاً قشنگ نبود. بابت چه چیزی باید تغییر تابعیت می‌دادم و پرچم یک کشور دیگر را بالا می‌بردم؟ عرق ملی و وطن پرستی در دنیا خاص است و جامعه بین‌الملل بعد از حضورم در سازمان ملل به عنوان یک زن ایرانی این مسأله را نمی‌پذیرفت. خودم هم نمی‌توانستم قبول کنم برای یک کشور دیگر مسابقه بدهم و افتخار آفرین باشم.

مدال هم می‌گرفتی دلچسپ نبود؟  
نه، برایم خیلی جذابیت نداشت. آن هم برای من که میزان وطن پرستی بالایی دارم، اصلاً خوشایند نبود. از نگاه جهان هم خوشایند نیست. من در هر شرایطی ایستادن، تلاش و جنگیدن را خیلی دوست دارم.

در سخنرانی‌ات در سازمان ملل گفته بودی که می‌خواهی با همکارانی مسئولان معلولیت را شکست بدهی. امکانات و زمینه برای تحقق این هدف برای تو فراهم شد؟  
ما باید سطح آگاهی جمعی را بالا می‌بردیم تا تحولات رانندگی کم شود، از بستن کمربند ایمنی تا سرعت غیرمجاز. از طرفی ماشین‌ها و جاده‌های غیر ایمن هم هست. معضلاتی که سالها باید برای آنها فکر

## رمز ماندگاری



حجت‌الله اکبرآبادی

روزنامه‌نگار

ایران ورزشی در شرایطی بیست و نهمین سال انتشار خود را پشت سر می‌گذارد که فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است؛ از تغییر قطع و لوگوی روزنامه تا تغییرات در فرم و محتوا. در حقیقت اگر امروز شماره هشت هزارمین خود را چاپ کرده و در بین مخاطبان ماندگار بوده است، ریزان برمی‌گردد به پایداری ایران ورزشی به اصول حرفه‌ای و پرهیز از حاشیه و جنجال‌های رسانه‌ای. ایران ورزشی که نخستین روزنامه چهار رنگ ورزشی ایران به حساب می‌آید به واسطه بودنش در زیر مجموعه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران و البته صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی، با تغییر دولت‌ها بی‌تغییر مدیریت می‌شود و است و مدیران بسیاری سکانداری ایران ورزشی را

بالا می‌رود. باید برای حل یکسری معضلات دست به دست هم بدهیم. کشورهای توسعه‌یافته علاوه بر اینکه معلولیت را به صفر رسانده‌اند، حالا معلولیت را ویژگی می‌بینند نه معضل و مشکل.

توهم کماندار بودی و هم سرمربی، کدام سخت‌تر است؟

هر دو سختی خودش را دارد، اما زمانی که ملی‌پوش بودم، برای پیشرفت باید خیلی تلاش می‌کردم و حتی مجبور بودم خیلی برنامه‌ریزی کنم و سختی‌های زیادی را به جان می‌خردم. اما حالا باید شرایط را برای بچه‌هایم فراهم کنم. این خیلی سخت‌تر است که باید وضعیت روحیه و تمرینی آنها را جداگانه رصد و زمینه را آماده کنم تا در کمال آرامش تمرین کنند. من بعد از انتخاب مربیان بی‌تغییر برای تیم‌های ریکرو و کامپوند، حالا مدیر تیم ملی هستم و فقط مدیریت می‌کنم تا مربیگری. می‌خواهیم تیم‌های ملی تیرو کمان را ارتقا دهیم. همین کارم بودم، سخت‌تر کرده است.

آن زمان من فقط ورزشکار بودم اما حالا کاملاً در حوزه مدیریت وارد شده‌ام و توی کود رفته‌ام تا برای موفقیت کمانداران تلاش کنم. و وقتی نتوانم برای ورزشکارم کاری کنم ناراحت می‌شوم.

**ورزش برای تو با تکیه بر شروع شد. دلت برای مبارزه و شایاب چانگ تنگ نمی‌شود؟**

چرا، اما دیگر فرصتش گذشت. بعد از آشنایی با تیروکمان وارد دنیای دیگری شدم. یک روز با تکیه‌اندو رویای المپیک را داشتم، اما حالا با تیروکمان هم المپیک را تجربه کردم و هم پارالمپیک که رشته‌های خیلی ویژه است. رشته‌های زیادی از بسکتبال، تنیس و تکیه‌اندو را تجربه کرده‌ام اما تیروکمان برایم خیلی خاص است.

الانصاف در کارش یک استثنا بود و همچون دایره‌المعارف ورزشی، دانش و تجربه خود را در اختیار همکاران جوان خویش قرار می‌داد. جا دارد همچنین یاد کنیم از جاوید نامانی که برای دوره‌ای در خدمت ایران ورزشی بودند و اکنون نیستند؛ پرویز زاهدی، حسین حصار و آرش رستم‌نمدی که هر یک در کارشان خبره بودند و مطالب‌شان نافذ بود و عمیق. صاحب این قلم نیز این افتخار را داشته است که از بدو انتشار ایران ورزشی در اول خرداد ماه سال ۱۳۷۶ به مدیریت مسئولی دکتر محمدرضا کردی برای دو دوره در خدمت ایران ورزشی باشد، آن هم با خاطراتی خوب و ماندگار. در این مجال برای علی جوادی سردبیر محترم و همکاران ایران ورزشی که همچنان پرنانری و با پایداری به اصول حرفه‌ای در خدمت رشد و توسعه ورزش ایران هستند آرزوی توفیق دارم و امیدوارم باصلايت به کارشان ادامه دهند.

هیچ گناهی نکردند و می‌خواستند زندگی و شرایط بهتری داشته باشند. اما برای من زهر نعمتی قضیه متفاوت بود. چون از نگاه دنیا این موضوع اصلاً قشنگ نبود. بابت چه چیزی باید تغییر تابعیت می‌دادم و پرچم یک کشور دیگر را بالا می‌بردم؟ عرق ملی و وطن پرستی در دنیا خاص است و جامعه بین‌الملل بعد از حضورم در سازمان ملل به عنوان یک زن ایرانی این مسأله را نمی‌پذیرفت. خودم هم نمی‌توانستم قبول کنم برای یک کشور دیگر مسابقه بدهم و افتخار آفرین باشم.

مدال هم می‌گرفتی دلچسپ نبود؟  
نه، برایم خیلی جذابیت نداشت. آن هم برای من که میزان وطن پرستی بالایی دارم، اصلاً خوشایند نبود. از نگاه جهان هم خوشایند نیست. من در هر شرایطی ایستادن، تلاش و جنگیدن را خیلی دوست دارم.

در سخنرانی‌ات در سازمان ملل گفته بودی که می‌خواهی با همکارانی مسئولان معلولیت را شکست بدهی. امکانات و زمینه برای تحقق این هدف برای تو فراهم شد؟  
ما باید سطح آگاهی جمعی را بالا می‌بردیم تا تحولات رانندگی کم شود، از بستن کمربند ایمنی تا سرعت غیرمجاز. از طرفی ماشین‌ها و جاده‌های غیر ایمن هم هست. معضلاتی که سالها باید برای آنها فکر

عهددهار بوده‌اند.

فلسفه انتشار روزنامه ایران ورزشی نیز در کنار اطلاع‌رسانی درست، ارائه نقطه نظرات مختلف در چهارچوب نقدهای سازنده به منظور توسعه ورزش ایران بوده است که فکری‌کنم ایران ورزشی در انجام این رسالت موفق بوده است. این مهم در شرایطی حاصل شده که با توسعه فضای مجازی و خبررسانی شبکه‌های اجتماعی در لحظه، جایگاه تفسیر و تحلیل و نقد در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای پررنگ‌تر از پیش شده است. ایران ورزشی در مسیر طولانی پیموده شده تا به امروز و به دلیل کارگیری همکاران حرفه‌ای و باتجربه توانسته است این مسیر را پشت سر گذاشته و همچنان به‌عنوان روزنامه‌ای وزین و مطرح به رسالت حرفه‌ای خود پایبند باشد. خوب است در اینجا یاد کنیم از همکار تازه درگذشته‌مان، وصال روحانی که الحق و

## خبر

عزیزالله اطاعی

روزنامه‌نگار

## نیاز ورزش ایران به ایران ورزشی

از انتشار صفر تا هشت هزارمین شماره یک روزنامه ورزشی، شاید روی کاغذ فاصله‌ای نباشد اما به مقیاس زمان، یعنی بالای سی و چند سال فعالیت حرفه‌ای و ماندن در مسیر درست اطلاع‌رسانی، کسب اعتبار و جایگاه معتبر در میدان رقابت و ادامه دادن.

انصافاً ایران ورزشی تا همین شماره، با سختی‌ها و فراز و فرودهای بسیاری دست و پنجه نرم کرده و بارها نیز تا مرز تعطیلی پیش رفته، اما هر بار با حمایت، تلاش، پشتکار، خلاقیت، نوآوری نویسندگان، صاحب‌نظران و اهالی فن جوان و باتجربه خودش، سرپا مانده تا امروز بتواند انتشار هشت هزارمین شماره‌اش را جشن بگیرد.

ورزش ایران به روزنامه‌ای نیاز داشت همان‌طور که بتواند واقع‌بینانه و حرفه‌ای، کارشناسانه، به روز، فنی، ریزبینانه و با آگاهی از تازه‌ترین دانش رسانه‌ای به انعکاس اخبار، گزارشات و رویدادهای مرتبط با ورزش بپردازد که به باور من ایران ورزشی تا اینجای کار به خوبی در این مسیر کام برداشته و تأثیرگذار هم بوده است.

تا جایی که من یادام هست، در سه چهار دهه گذشته، نشریه‌های زیادی بودند که با هدف ایجاد تحول و نوآوری در اطلاع‌رسانی ورزشی وارد عرصه رقابت‌ها شدند، اما با گرفتار شدن در حاشیه‌ها و انتشار اخبار زرد، به شماره هزار نرسیده از گردونه خارج شدند.

رسیدن ایران ورزشی به هشت هزارمین شماره، نشانه باقی ماندن در مسیر درست اطلاع‌رسانی و قرار گرفتن در جایگاهی حرفه‌ای است که امید می‌رود این روند همچنان تداوم داشته و هزاره‌های بعدی نیز جشن گرفته شود. روزنامه وزین ایران ورزشی در مجموعه نفیس هشت هزار شماره‌ای خودش چه امانت‌هایی که از بهترین نویسندگان، اهالی فن، صاحب‌نامان رسانه و نامداران ورزشی نویس به یادگار ندارد.

در واقع ایران ورزشی شاید از جمله روزنامه‌های ورزشی باشد که تقریباً تمامی صاحب‌نامان رسانه و اهالی فن و قلم ورزش ایران، یا به‌طور ثابت و یا مقطعی در آن به فعالیت مشغول بوده‌اند. در پایان سخن کوتاه اینکه، ایران ورزشی در طول فعالیت خود، همواره پایگاهی برای رشد و پیشرفت ورزشی نویسان مستعد و جوان بوده و با همین جوانان نیز بحران‌های بسیاری را پشت‌سر گذاشته که امید است با درایت دست‌اندرکاران فعلی روزنامه، این روند همچنان ادامه یابد.

